بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار جمعی از اقشار مختلف مردم قم - 19 /دی/ 1386

بسم اللّه الرّحمن الرّحيم

خیلی خوش آمدید برادران و خواهران عزیز! در این روز سرد و برفی و از راه دور، روز تاریخی نوزدهم دیماه را با این اقدام خودتان و حضور خودتان، بار دیگر تجلیل و تعظیم کردید. شایسته هم، همین است.

این لحظه های حوادث بزرگ تاریخی، در واقع عوامل پیشرفت تاریخ ملتها هستند. عاشورا يك نیمه روز بیشتر نبود ؛ تاریخ را تکان داد و متحول کرد. يك حادثه، گاهی به قدری عمیق و حکیمانه و بجا در طول زندگی يك ملت اتفاق می افتد که تأثیرات آن برای سالهای متمادی، گاهی برای قرنهای متوالی باقی میماند. یقیناً روز نوزدهم دی برای ملت ایران از جمله ی این حوادث بود. ظرفیت حضور مردم و خشم مقدس و انقلابی مردم در طول سالهای متمادی با ظلم دستگاه طاغوت و اعمال نفوذ بیگانگان لبالب شده بود ؛ يك حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. يك حرکت هوشمندانه و بجا لازم بود. این حرکت را شما مردم قم در روز نوزدهم دیماه انجام دادید و این گردونه به حرکت در آمد. آنچه که نظام طاغوت بر سر این کشور و این ملت آورد، در طول سالهای متمادی حاکمیت سیاه و ننگین خود، حقیقتاً یکی از فصول تلخ تاریخ ماست.

یکی از همین فعالیتهای فاجعه آمیز، قضایای هفدهم دی بود که در زمان رضاشاه اتفاق افتاد. طبق نقشه ی دشمنان اسلام و ایران، به کمك روشنفکران آن روز متصل به دربار پهلوی، تصمیم گرفتند که زن ایرانی را از دائره ی عفاف و حجاب خود بیرون کنند و این نیروی عظیم ایمانی را که به برکت عفاف، زن همواره در جوامع مسلمان وجود داشته است، نابود کنند و بر باد بدهند.

یکی از جنایات بزرگ رژیم طاغوت، همین مسئله ی هفده دی هست. کشف حجاب، از بین بردن آن حائل و فاصله ای که در اسلام میان دو جنس قرار داده شده است - که این برای سلامت زن و سلامت مرد است ؛ برای سلامت جامعه است - تا همان بلائی که بر سر زن در جوامع غربی آمد، بر سر زن مسلمان ایرانی بیاورند. این اقدام را با چماق، رضاخان در داخل کشور انجام داد.

زن غربی با ورود در منجلاب فساد، دستاوردش نابودی خانواده بود. اینجور نبود که زن با برداشتن حجاب در میدان علم یا در میدان سیاست یا در میدان فعالیتهای اجتماعی پیشرفت کند ؛ همه ی اینها با حفظ حجاب و عفت ممکن بود و ما در نظام اسلامی این را تجربه کردیم. برداشتن حجاب، مقدمه ای برای برداشتن عفت بود ؛ برای برداشتن حیا در جامعه ی اسلامی بود ؛ برای سرگرم کردن مردم به عامل بسیار قوی و نیرومند جنسی بود ؛ برای اینکه از همه ی کارهای دیگر بمانند ؛ و یك مدتی هم موفق شدند، اما ایمان عمیق ملت ایران نگذاشت. زنهای مسلمان ما با وجود سختگیریها در طول زمان، در مقابل این فشار سرکوبگر مقاومت کردند ؛ بعد از رفتن رضاخان به نحوی، در زمان خود او به نحوی، در طول دوران بقیه ی طاغوت هم به نحوی. لذا در همان دیماه 1356، روز هفدهم دیماه در مشهد، یك اجتماع عظیمی، تظاهراتی از زنان مسلمان با شعار «حفظ حجاب» راه افتاد. ما آنوقت در تبعید بودیم ؛ خبر آن را شنیدیم که زنان مؤمن و مسلمان و شجاع یك چنین حرکتی را به راه انداختند. این، گوشه ای از فجایع رژیم طاغوت بود ؛ نابود کردن آرمانهای دینی، ارزشهای اخلاقی، پیشرفتهای اقتصادی، عزت بین المللی و خلاصه بر باد دادن سرمایه های یك ملت جزو کارهائی بود که آن رژیم طاغوت و سیاهکار انجام داد.

ملت ایران بموقع بیدار شدند و پاسخ گفتند به ندای رهبر عظیم الشأن خودشان و وارد میدان شدند. نوزده دی یك چنین مقطع تاریخی حساسی است ؛ اینها را باید زنده نگه داشت. تلاش شده است و میشود برای اینکه احساسات مردم و این مقاطع حساس از یادها برود.

مردم قم نشان دادند که وفادارند و پایبندند. در طول این زمانها، کسانی هم پیدا شدند که به تعبیر قرآن، «فمن نکث فإنّما ینکث علی نفسه» ؛ این بیعت را با انقلاب و با اسلام و با امام شکستند، اما این شکستن بیعت به زیان خودشان بود: «نکث علی نفسه». بعضیها وفاداری نشان دادند ؛ «و من أوفی بما عاهد علیه اللّه فسیؤتیه اجراً عظیما» ؛ پایبندی نشان دادند ؛ وفاداری نشان دادند، که این اکثریت عظیم ملت ما بودند ؛ ایستادند پای حرفشان و خدای متعال اجر عظیم را به آنها داد ؛ پیروزی در جنگ را داد ؛ پیروزی در همه ی میدانها در مقابل ابرقدرتها را داد ؛ رشد ملی و پیشرفت گوناگون در عرصه های مختلف را به این ملت داد.

ملت ایران به سمت آرمانهای خود حرکت کرد، گامهای بلندی هم برداشت. امروز هم حرکت میکند، امروز هم گامهای بلندی دارد. این یك مطلب راجع به مسائل نوزده دی.

یك جمله راجع به محرّم و عاشورا عرض کنیم. محرّم، یکی از همین مقاطع تاریخی است. عاشورا را شیعه، با همه ی وجود نگه داشتند. شما ببینید در طول سالهای متمادی، قرنهای متمادی، یاد امام حسین، نام امام حسین، تربت امام حسین، عزای امام حسین هرگز از بین مردم پیرو اهل بیت و مؤمن به اهل بیت خارج نشد ؛ این را رها نکردند ؛ هرچند خیلی تلاش شد. حالا شما قضیه ی متوکل و بستن راه را شنیده اید. اینها آن کارهای چاروادارى، مخالفتهای چاروادارى بوده است. مخالفتهای بسیار زیادی در طول زمان به شکلهای ظاهراً علمی، به شکل احساساتی، به شکل

تجربه ای انجام دادند، ولی شیعه نگه داشته است و باید نگه دارد.

میگویند چرا ماتم و گریه و اشك را در بین مردم رواج میدهید؟ این ماتم و اشك برای ماتم و اشك نیست، برای ارزشهاست. آنچه پشت سر این عزاداریها، بر سر و سینه زدنها، اشك ریختنها وجود دارد، عزیزترین چیزهائی است که در گنجینه ی بشریت ممکن است وجود داشته باشد ؛ او همان ارزشهای معنوی الهی است. اینها را میخواهند نگه دارند که حسین بن علی مظهر این ارزشها بود. یادِ آنهاست ؛ زنده نگه داشتن آنهاست.

و ملت اسلام اگر نام حسین را و یاد حسین را زنده نگه بدارد و آن را الگو قرار بدهد برای خود، از همه ی موانع و مشکلات عبور خواهد کرد. لذاست که ما در انقلاب اسلامی، در نظام جمهوری اسلامی از صدر تا ذیل، همه - مردم، مسئولین، بزرگان، شخص امام بزرگوار ما - بر روی مسئله ی امام حسین و مسئله ی عاشورا و همین عزاداریهای مردمی، تکیه کردند و جا دارد. این عزاداریها جنبه ی نمادین دارد، جنبه ی حقیقی هم دارد ؛ دلها را نزدیك میکند، معارف را روشن میکند.

البته گویندگان، وعاظ، مداحان، سرایندگان، همه باید توجه داشته باشند که این یك حقیقت عزیز است ؛ با آن نبایست بازی کرد ؛ حقایق ماجرای عاشورا را بازیچه نباید قرار داد. هر کسی یك چیزی به آن اضافه بکند، خرافه ای را به آن وصل بکند، کارهای غیر معقول را به نام عزاداری انجام بدهد، اینها نباید باشد ؛ اینها طرفداری از امام حسین نیست. یك وقتی ما راجع به مسئله ی تظاهرات قمه، مطلبی را گفتیم، یك عده ای گوشه کنار صداشان بلند شد که آقا ! این عزاداری امام حسین است ؛ مخالفت نشود با عزاداری امام حسین! این، مخالفت با عزاداری نیست ؛ مخالفت با ضایع کردن عزاداری است. عزاداری امام حسین را نباید ضایع کرد. منبر حسینی، مجلس حسینی، محل بیان حقایق دینی، یعنی حقایق حسینی است. شعر در این جهت، حرکت در این جهت، نوحه و مدیحه در این جهت باید باشد. شما دیدید در آن محرّم سال 57، دستجات سینه زنی ما در بعضی از شهرستانها مثل یزد و شیراز و جاهای دیگر شروع شد و بعد هم گسترش پیدا کرد به همه ی کشور ؛ سینه میزدند و حقایق روز را در نوحه های خودشان بیان میکردند ؛ با ارتباط دادن و اتصال دادن اینها به ماجرای عاشورا، که درست هم هست.

مرحوم شهید مطهری سالها قبل از انقلاب در این حسینیه ی ارشاد فریاد میکشید که: واللّه - قریب به این مضمون - بدانید شمر، امروز - اسم نخست وزیر آن روز اسرائیل (صهیونیست) را می آورد - اوست. واقع قضیه هم همین است. ما شمر را لعنت میکنیم، برای اینکه ریشه ی شمر شدن و شمری عمل کردن را در دنیا بکنیم ؛ ما یزید و عبیداللّه را لعنت میکنیم، برای اینکه با حاکمیت طاغوت، حاکمیت یزیدی، حاکمیت عیش و نوش، حاکمیت ظلم به مؤمنین در دنیا مقابله کنیم. حسین بن علی قیامش برای این بود که ببینی حاکمیتهای علیه ارزشهای اسلامی و انسانی و الهی را به خاك بمالد و نابود کند ؛ و همین کار را هم امام حسین با قیام خود کرد.

مجالس ما ؛ مجالس حسینی، یعنی مجالس ضد ظلم، مجالس ضد سلطه، مجالس ضد شمرها و یزیدها و ابن زیادهای زمان موجود، زمان حاضر، معنایش این است. این استمرار ماجرای امام حسین است.

و امروز دنیا پر از ظلم و جور است. شما ببینید چه میکنند ؛ در فلسطین چه میکنند، در عراق چه میکنند، در کشورهای گوناگون چه میکنند، با ملتهای دنیا چه میکنند، با فقرا چه میکنند، با ثروتهای ملی کشورها چه میکنند. ابعاد عظیم حرکت حسین بن علی (علیه السّلام) شامل همه ی این میدان وسیع میشود. امام حسین نه فقط برای شیعه، نه فقط برای مسلمانها، بلکه برای احرار عالم درس دارد.

رهبر آزادی بخش نهضت هند در شصت سال، هفتاد سال قبل اسم حسین بن علی را آورد ؛ گفت من از او یاد گرفتم ؛ در حالی که هندو بود ؛ اصلاً مسلمان نبود. در بین مسلمین هم همینطور است. ماجرای امام حسین این است. شما گنجینه دار یك چنین جواهر ذی قیمتی هستید که همه ی بشریت میتواند از او بهره برد و استفاده کند.

جهتگیری در عزاداری امام حسین به این نحو باید باشد: گسترش تبیین، بیان، آگاه سازی، محکم کردن ایمان مردم، روح تدین را در مردم گسترش دادن، روح شجاعت و غیرت دینی را در مردم زیاد کردن، حالت بی تفاوتی و سکر و بی حالی را از مردم گرفتن ؛ اینهاست معنای قیام حسینی و بزرگداشت عزاداری امام حسین (علیه السّلام) در زمان ما. لذا زنده است، همیشه هم زنده خواهد بود.

جنبه ی عاطفی آن هم تأثیرگذار بر روی عواطف و احساسات همه ی مردم است. جنبه ی عمقی و معنوی آن، صاحبان فکر و بصیرت را آگاه میکند ؛ روشن میکند. بنده بارها در طول این سالها این جمله ی امیرالمؤمنین (علیه الصّلاةوالسّلام) را عرض کرده ام که فرمود: «ألا لا یحمل هذا العلم إلا أهل البصر والصّبر» ؛ این پرچم - پرچم انسانیت، اسلام، توحید - را آن کسانی که دارای این دو خصوصیتند، میتوانند بر دست بگیرند و بلند نگه دارند ؛ «البصر والصّبر» ؛ بصیرت و استقامت. امام حسین (علیه السّلام) مظهر بصیرت و استقامت است.

پیروان امام حسین هم همین را نشان دادند و بعد از گذشت قرنها، آن روزی که رهبر شایسته ای در میان آنها پیدا شد، این حرکت عظیم را به وجود آوردند. انقلاب عظیم اسلامی یك ماجرای عظیمی است ؛ داستان عظیمی است. ما در وسط قضیه قرار گرفته ایم، ابعاد عظیم این حادثه برای ما خیلی روشن نیست ؛ آیندگان تاریخ و کسانی که امروز بیرون از این مجموعه هستند، آنها بیشتر از ما ابعاد و عظمت این حرکت را می بینند. در دنیائی که همه ی پول و ثروت و قدرت و سیاست و همه چیز و همه چیز در جهت ضد ارزشهای انسانی و دینی است، ناگهان در یك نقطه ی حساس عالم - نقطه ی حساس جغرافیائی عالم - یك نظامی سر بلند کند، یك ملتی قیام کند برای به دست گرفتن

پرچم ارزشها ؛ و ارزشهای انسانی را سر دست بگیرد، ندای توحید بدهد، معجزه است ؛ معجزه ی زمان ما این است. بعد از همه طرف به او حمله کنند ؛ بزرگ و کوچك، طاغوتها و طاغوتچه ها با همه ی توانشان بریزند سر او، و در عین حال او نه فقط شکست نخورد، بلکه بسیاری از آنها را شکست بدهد ؛ آنها را عقب براند، که امروز شما دارید می بینید نشانه های عقب رفتِ استکبار را. در این مبارزه ملت ایران پیروز شد.

انتخابات هم در پیش است. مسئله ی انتخابات هم خیلی مهم است. یکی از نمونه های عظمت این نظام، همین انتخابات است. برای همین هم هست که انتخابات ملت ایران - این پدیده ی به این وضوح - را انکار میکنند. مردمسالاری، این چیز واضح را که وابسته ی به انتخابات مردمی است - که در ایران در طول این بیست و هشت نه سال، هر سالی یك بار به طور متوسط اتفاق افتاده است - دشمنان عنود و لجوج انکار میکنند. چرا؟ چون میدانند که این یکی از آن شاخصه های مهم پیروزی ملت ایران است.

در انقلابهای گوناگون، در فاصله های زمانی گوناگون، آن کسانی که پیشواها و به اصطلاح رهبران ملتها بودند، بالاخره درماندند ؛ گفتند آقا ! ما اختیارات تام و تمام میخواهیم. دکتر مصدق دو سال و خرده ای در این کشور حکومت کرد، بخش عمده ای از این دو سال، دو مجلس آن روز را منحل کرد و اختیارات مجلس را هم در اختیار گرفت ؛ گفت بدون این، نمیتوانم، حالا مصدق که یك حکومت مردمی بود، اما طاقت نیاورد ؛ نتوانست. حالا یك انقلاب مردمی به وجود بیاید ؛ یك انقلاب با این جمعیت کشور که امروز سه برابر جمعیت آن روز است، با این همه توطئه ای که علیه این ملت میشود و این همه تبلیغات، اما این انقلاب با شجاعت تمام بر آراء مردم تکیه میکند ؛ خاطرش جمع است و میخواهد این انتخابات که به معنای دخالت مردم، حضور مردم، تصمیم گیری مردم است، به هر قیمتی باشد ؛ این را اصرار میکند، که در دوره ی قبل - چهار سال قبل از این - یك ماجرائی راه انداختند ؛ یك نمایشی بود ؛ یك بازی ای بود و هدف هم همین بود که بلکه انتخابات را تعطیل کنند، خدای متعال نخواست و نگذاشت ؛ ایستادگی مردم مؤمن نگذاشت که انتخابات را اینها بتوانند تعطیل کنند.

انتخابات در پیش است، این انتخابات خیلی مهم است. نه خصوص این انتخابات، همه ی انتخاباتها مهم است، این هم از جمله مهم است. مردم وظائفی دارند ؛ مسؤولین، نخبگان وظائفی دارند. اولاً سعی شود اهمیت و ارزش و عظمت انتخابات محفوظ بماند ؛ معلوم باشد. مردم با امید و اعتماد به پای صندوقها بروند. من می بینم متأسفانه در اظهارات بعضیها - حالا ان شاءالله که از روی غرض ورزی نیست - مرتب تکیه میکنند: آقا ! تقلب نشود، آقا ! تقلب نشود ؛ آقا ! دستبرد نشوند. چه تقلبی؟! قریب به سی سال است که دستگاههای مجری این مملکت دارند انتخابات را انجام میدهند با سلامت کامل. بعضیها حتی شرم نکردند، گفتند ناظرین بین المللی بیایند نظارت کنند بر این انتخابات ؛ بیگانه ها، دشمنها که با اصل انتخابات و با اصل ملت ایران مخالفند ؛ با هر چیزی که به نفع ایران است مخالفند، اینها بیایند بشوند قاضی! این، بزرگترین جسارت به ملت ایران است. نه، بیخود مبالغه نکنند. ما البته سفارش کرده ایم ؛ مکرر سفارش کرده ایم ؛ مکرر هم سفارش خواهیم کرد به همه ی دست اندرکاران ؛ هم به وزارت کشور، هم به شورای محترم نگهبان، به نظار و مجریان: مراقب باشند، مسؤولیتشان را، وظیفه شان را درست انجام بدهند، خوب انجام بدهند، آراء مردم دست اینها امانت است ؛ نگذارند کسی دخالت بکند ؛ نفوذ بکند. این سفارش را همیشه کرده

ایم. مراعات هم کرده اند ؛ باز هم مراعات خواهند کرد به فضل الهی. این مطلب اول. حیثیت انتخابات عظیم مردم و این کار بزرگ مردم را مرتب با اینکه شبهه اندازی کنند که آره، بناست تقلب بشود، بناست فلان بشود، نشکنند.

دوم، همان مطلبی که من مکرر در یزد - چند روز قبل از این - تکرار کردم، باز هم تکرار میکنم: در انتخابات با کرامت رفتار کنند همه ؛ چه آنهائی که نامزد میشوند، چه آنهائی که طرفدار آنهایند، چه آنهائی که مخالف با بعضی از نامزدها هستند. جناحهای مختلف کشور، بداخلاقی و بدگوئی و اهانت وتهمت و این حرفها را مطلقاً راه ندهند. این از آن چیزهائی است که اگر پیش بیاید، دشمن از او خوشحال میشود.

نکته ی سوم اینکه مراقب فعالیتهای دشمن باشند. حالا پریروز - دو روز قبل از این - بوش، رئیس جمهور امریکا گفت ما از فلان دسته در ایران حمایت میکنیم. این ننگ است برای هر کسی که امریکا بخواهد او را تحت الحمایه ی خود بگیرد. اول، خود آن کسانی که آن دشمن وحشی میخواهد از آنها حمایت کند، بعد هم مردم فکر کنند، ببینند چرا میخواهد حمایت کند. کدام نقص در اینها هست که موجب شده است دشمن بخواهد از او حمایت کند. در داخل یك خانواده ممکن است دو تا برادر، یك برادر و خواهر با هم اختلاف داشته باشند. اگر دشمن، دزد، خائنی که بیرون خانه است، با یکی از اینها ارتباط برقرار کرد و گفت من طرف تو هستم، آن بایستی به خود بیاید، بگوید من چه غلطی کردم، چه اشتباهی کردم که این دشمن خانوادگی میخواهد از من حمایت کند. مردم هم باید حواسشان جمع باشد ؛ نگذارید انتخابات بشود ملعبه ی دست بیگانگان.

انتخابات مال ملت ایران است، مال جمهوری اسلامی است، مال اسلام است ؛ مرزهاشان را با دشمن مشخص و متمایز کنند. من بارها به بعضی از افراد سیاسی که فعالیتهائی دارند و گاهی یك مخالف خوانیهائی میکنند، تذکر داده ام، نصیحت کرده ام ؛ گفته ام مواظب باشید مرزهای میان شما و دشمن کمرنگ نشود ؛ پاك نشود. مرز وقتی کمرنگ شد، احتمال اینکه کسانی از این مرز عبور کنند یا دشمن از این مرز عبور کند و بیاید این طرف یا دوست و خودی غافل شود و از مرز عبور کند و برود به دامن دشمن، زیاد خواهد بود. مرزها را روشن کنید ؛ مشخص کنید.

این ملت بیست و هشت سال است که با توطئه ی امریکا، با دشمنی امریکا، با انواع و اقسام لطمه زدنهای امریکا مواجه است. هر کار توانستند علیه این ملت کرده اند. مواظب باشید مرزهاتان را مشخص کنید. کسانی هستند مزدور آنهایند ؛ کسانی هستند نوکر آنهایند ؛ کسانی هستند در خدمت آنهایند. مرزهاتان را با اینها هم روشن کنید و مشخص کنید. وقت بصر و صبر، یکی همین جاست ؛ بصیرت. ملت ایران وقت انتخابات که میرسد، احتیاج به بصیرت دارد ؛ نگاه کند ببیند دشمن چه موضعی گرفته است در قبال این حرکت عظیم مردمی ؛ حواس خود را جمع کند، تصمیم درست بگیرد. این هم وظیفه ی ما مردم است که بایستی مراقبت کنیم.

البته مطمئن باشید و بنده مطمئنم که خدای متعال تفضلات خود را به برکت مجاهدت و ایمان شما مردم، از شما باز نخواهد گرفت و خدای متعال لطف خودش و کمك خودش و هدایت و حمایت خودش را شامل حال این مردم کرده است و باز هم خواهد کرد و پیروزی نهائی، بالاخره متعلق به ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی است.

امیدواریم که خداوند متعال همه ی شما را موفق بدارد ؛ ارواح طیبه ی شهدای ما را خشنود کند ؛ روح مطهر امام را با اولیائش محشور کند و به همه ی شما خیر و اجر عنایت فرماید و قلب مقدس ولی عصر (ارواحنافداه) را از ما شاد و خشنود فرماید.

والسّلام علیکم و رحمةاللّه و برکاته